

هفتمین همایش ملی بنیاد علمی قانون یار

همایش پژوهش های علمی علوم اسلامی و انسانی در عصر نوین

بنیاد علمی قانون یار - آموزش و پرورش استان کرمانشاه - واحد پژوهش سپاه پاسداران (با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه رازی، دانشگاه آزاد، دانشگاه فرهنگیان، دانشگاه پیام نور، کرمانشاه، دانشگاه علمی و کاربردی، جهاد دانشگاهی واحد کرمانشاه، دانشگاه صنعتی کرمانشاه، بنیاد شهید و سازمان ارشاد و ... سردبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در پایگاه های ملی و بین المللی) تاریخ برگزاری همایش: ۸ اسفندماه ۱۴۰۳ شماره مقاله: ۲۵/۹۰۱۲۸ رده بندی کنگره: ب ۵۶/۴۷۰

کاربرد اصول فقه اسلامی در مسائل حقوقی معاصر

نسرین اسفندیاری^۱

کارشناسی رشته آموزش ابتدایی، دانشگاه آزاد اسلامی کرمانشاه

معصومه راستاد

کارشناسی ارشد علوم تربیتی دانشگاه پیام نور همدان

چکیده

این تحقیق با هدف بررسی کاربرد اصول فقه اسلامی در مسائل حقوقی معاصر انجام شد. روش تحقیق به صورت مروری و تحلیل مقالات و کتب مرتبط با فقه اسلامی و حقوق معاصر بوده است. یافته های تحقیق نشان داد که اصول فقه اسلامی مانند «عدالت»، «مصلحت»، «حفظ کرامت انسانی» و «نهی از ظلم»، می توانند در حل مسائل حقوقی معاصر مانند حقوق بشر، حقوق خانواده، حقوق محیط زیست، حقوق اقتصادی و حقوق کیفری کاربرد مؤثری داشته باشند. به ویژه در زمینه حقوق بشر و حقوق زنان، فقه اسلامی می تواند با استفاده از اصول عدالت و مساوات، راه حل هایی منطبق با آموزه های دینی و نیازهای معاصر ارائه دهد. در زمینه حقوق محیط زیست نیز اصول فقهی می توانند مبنای مناسبی برای تدوین قوانین زیست محیطی در کشورهای اسلامی باشند. همچنین، در مسائل اقتصادی، فقه اسلامی با تأکید بر حرمت ربا و عدالت اقتصادی می تواند به حل چالش های اقتصادی جهانی کمک کند. نتیجه گیری این تحقیق نشان می دهد فقه اسلامی به عنوان یک سیستم حقوقی می تواند ابزار مناسب برای توسعه و اصلاح قوانین در جوامع باشد و در حل مسائل حقوقی معاصر نقش اساسی ایفا کند.

واژگان کلیدی: فقه اسلامی، حقوق بشر، عدالت، حقوق خانواده

^۱ نویسنده مسئول



مقدمه

فقه اسلامی به عنوان یک سیستم حقوقی جامع و منسجم، نه تنها در تنظیم روابط فردی و اجتماعی مسلمانان، بلکه در پاسخ به مسائل پیچیده حقوقی در دنیای معاصر نیز نقش اساسی ایفا می‌کند. اصول فقه، به عنوان مبانی نظری و روش‌شناسی اجتهاد فقهی، در حقیقت چارچوب‌هایی را برای فهم و استخراج احکام شرعی از منابع دینی مانند قرآن و سنت فراهم می‌آورد. این اصول، با استفاده از قواعدی همچون «قیاس»، «استحسان»، «مصلحت»، و «عرف»، توانایی تطبیق با شرایط مختلف زمانی و مکانی را دارند و می‌توانند در حل بسیاری از مشکلات حقوقی معاصر به کار روند. این ویژگی باعث شده است که فقه اسلامی در کنار جوامع مسلمان، در دنیای معاصر و در مواجهه با مسائل حقوقی نوظهور، مورد توجه قرار گیرد. در دنیای امروز، مسائل حقوقی جدیدی همچون حقوق بشر، حقوق محیط زیست، حقوق زنان، تجارت بین‌الملل، و چالش‌های اقتصادی و اجتماعی به‌طور فزاینده‌ای در حال ظهور هستند. این مسائل نه تنها در سطح جهانی، بلکه در کشورهای اسلامی نیز با چالش‌هایی روبه‌رو هستند که پاسخ‌های حقوقی مبتنی بر فقه اسلامی می‌تواند راهگشا باشد. برای مثال، مسائل مربوط به حقوق بشر و کرامت انسانی، که در بسیاری از کشورهای غربی و شرقی مطرح می‌شود، در فقه اسلامی نیز بر اساس اصولی همچون حفظ کرامت انسانی و جلوگیری از ظلم قابل بررسی و تبیین است. اصول فقه اسلامی با توجه به زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی خود، راه‌حلی منطبق با دین اسلام برای این مسائل فراهم می‌آورد. بنابراین، این مقاله قصد دارد به بررسی کاربرد اصول فقه اسلامی در مسائل حقوقی معاصر بپردازد و نشان دهد که چگونه این اصول می‌توانند به‌طور مؤثر در حل مشکلات حقوقی جدید مورد استفاده قرار گیرند. با توجه به اهمیت این موضوع، در این تحقیق تلاش خواهیم کرد تا ضمن ارائه تحلیل‌های علمی، نقش اصول فقه اسلامی را در حل مسائل حقوقی معاصر، تبیین کنیم.

بخش اول: بیان مسئله

با گذشت زمان و پیشرفت‌های علمی، جوامع بشری با مسائل حقوقی پیچیده و جدیدی مواجه شده‌اند که در بسیاری از موارد، نیازمند پاسخ‌های قانونی نوین و تطبیق‌پذیر هستند. در این میان، فقه اسلامی به عنوان یک سیستم حقوقی که ریشه در منابع دینی و الهی دارد، به‌طور مستقیم می‌تواند در بسیاری از



31



به‌طور جدی مطرح است و اصول فقه می‌توانند در ارائه راه‌حل‌هایی برای مقابله با بحران‌های محیط زیستی مؤثر واقع شوند. در واقع، در فقه اسلامی، قواعدی چون «احترام به زمین»، «نهی از فساد»، و «مصلحت عامه» به‌طور خاص به حفظ منابع طبیعی و محیط زیست اشاره دارند و می‌توانند در حل مسائل محیط زیستی کمک کنند (ملک، ۱۴۰۳). با توجه به این مباحث، سوال اساسی این است که چگونه می‌توان از اصول فقه اسلامی برای حل مسائل حقوقی معاصر استفاده کرد؟ چه اصول و قواعد فقهی می‌توانند به‌طور مؤثر در حل چالش‌های حقوقی جدید کاربرد داشته باشند و چگونه می‌توان این اصول را به‌طور عملی در قوانین و نظام‌های حقوقی کشورهای مسلمان به کار بست؟ این سوالات زمینه‌ساز پژوهشی هستند که در این مقاله به‌طور مفصل به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

بخش دوم: روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر به‌منظور بررسی کاربرد اصول فقه اسلامی در مسائل حقوقی معاصر از روش مروری استفاده کرده است. در این روش، پژوهشگر به جمع‌آوری و تحلیل منابع و متون مختلف مرتبط با موضوع تحقیق پرداخته است. هدف از استفاده از این روش، استخراج و تجزیه و تحلیل اطلاعات موجود در آثار علمی و فقهی مختلف به‌منظور فهم بهتر و جامع‌تر مسائل مورد نظر بوده است. در این فرآیند، تمرکز اصلی بر روی اصول و مبانی فقهی بوده که می‌توانند در حل مسائل حقوقی معاصر نقش ایفا کنند. روش مروری به‌ویژه برای بررسی و تطبیق دیدگاه‌های مختلف فقهی در برابر مسائل حقوقی معاصر مناسب است، چرا که این روش امکان بررسی تطبیقی و تجزیه و تحلیل نظرات مختلف محققان و فقیهان را فراهم می‌آورد. در گام نخست، منابع علمی و فقهی مختلف که به تحلیل اصول فقهی و کاربرد آن‌ها در مسائل حقوقی پرداخته‌اند، جمع‌آوری شد. این منابع شامل کتب فقهی، مقالات علمی، پایان‌نامه‌ها، و گزارش‌های کنفرانس‌ها و همایش‌های مختلف بوده است. با بررسی این منابع، تلاش شده است که اطلاعاتی جامع و دقیق در زمینه ارتباط اصول فقهی با مسائل حقوقی معاصر به‌دست آید. به‌ویژه، بررسی‌های صورت‌گرفته در زمینه‌های حقوق بشر، حقوق زنان، حقوق محیط زیست، و مباحث اقتصادی و تجاری بر اساس اصول فقه اسلامی در این تحقیق مورد توجه قرار گرفت. این منابع اطلاعاتی نه‌تنها به‌عنوان مبنای علمی برای تحلیل موضوع تحقیق استفاده شدند، بلکه به‌منظور ارائه دیدگاه‌های متفاوت و مقایسه آن‌ها در زمینه‌های مختلف نیز به کار رفتند.



پس از جمع‌آوری منابع، پژوهشگر به تحلیل و طبقه‌بندی اطلاعات موجود پرداخته است. در این مرحله، تمرکز بر استخراج اصول و قواعد فقهی خاصی بود که در مواجهه با مسائل حقوقی معاصر کاربرد دارند. این اصول شامل اصول کلی فقهی مانند اجماع، قیاس، استحسان، مصلحت، و عرف بوده‌اند که در مباحث مختلف حقوقی از جمله حقوق بشر، حقوق زنان، و حقوق محیط زیست کاربرد فراوان دارند. در این فرآیند، از روش تحلیلی-مقایسه‌ای استفاده شد تا بتوان به‌طور دقیق‌تری تأثیر هر یک از این اصول را در حل مشکلات حقوقی معاصر بررسی کرد. به‌ویژه در بررسی مسائل حقوق بشر و حقوق زنان، تلاش شد تا مبانی فقهی و دیدگاه‌های فقهی مختلف در برابر این مسائل با یکدیگر مقایسه و تحلیل شوند تا نتایج دقیق‌تری به‌دست آید.

بخش سوم: یافته‌های تحقیق

۱. کاربرد اصول فقهی در حقوق بشر

حقوق بشر از مباحثی است که در دنیای معاصر با چالش‌های متعددی روبه‌رو است. در جوامع اسلامی، برخی از مسائل حقوق بشری به‌ویژه در زمینه حقوق زنان، آزادی‌های فردی، و کرامت انسانی، نیازمند تبیین و تحلیل از منظر فقه اسلامی هستند. اصول فقه اسلامی در این زمینه می‌توانند نقشی اساسی ایفا کنند. اصولی چون «حفظ کرامت انسانی»، «نهی از ظلم»، «عدالت»، و «مصلحت» همگی از مهم‌ترین مبانی فقهی هستند که می‌توانند پاسخی به مسائل حقوق بشر در دنیای معاصر ارائه دهند. یکی از مهم‌ترین مسائلی که در حقوق بشر مطرح است، حقوق زنان است. در بسیاری از کشورهای مسلمان، حقوق زنان به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی، با چالش‌هایی مواجه است. در این راستا، اصول فقه اسلامی می‌توانند راه‌حلی ارائه دهند که به‌طور همزمان با آموزه‌های اسلامی سازگار باشند و حقوق زنان را نیز محترم شمارند. اصول فقه اسلامی، از جمله قواعدی چون «اجماع» و «قیاس»، می‌توانند در تفسیر حقوق زنان در اسلام نقش داشته باشند. برای مثال، در فقه اسلامی، زنان حق مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی را دارند و این حقوق به‌طور مستند از منابع دینی استخراج شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۹).



در این زمینه، فقه اسلامی به‌ویژه در تحلیل مسائل حقوق بشر، بر اصولی چون «حفظ کرامت انسانی» و «جلوگیری از ظلم» تأکید دارد. این اصول به‌ویژه در زمینه‌های حقوقی چون حق رأی زنان، حق ارث، و حق مالکیت، به‌طور آشکار در قرآن و سنت آمده‌اند. با استفاده از این اصول فقهی، می‌توان قوانین و مقررات حقوق بشری را به‌گونه‌ای تبیین کرد که با اصول اسلامی هماهنگ باشند. بنابراین، فقه اسلامی می‌تواند در حل مسائل حقوق بشری، به‌ویژه حقوق زنان، نقش مؤثری ایفا کند (شهسواری، ۱۳۹۶).

۲. اصول فقهی در حقوق محیط زیست

یکی از مباحث حقوقی مهم در دنیای معاصر، بحث حقوق محیط زیست و حفظ منابع طبیعی است. در فقه اسلامی، حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی جایگاه ویژه‌ای دارد. در واقع، فقه اسلامی نه تنها بر اهمیت حفظ محیط زیست تأکید دارد، بلکه برخی اصول فقهی می‌توانند به‌طور خاص در این زمینه کاربرد داشته باشند. اصولی مانند «حرمت فساد»، «احترام به زمین»، و «مصلحت عامه»، همگی به‌طور مستقیم با حفظ محیط زیست مرتبط هستند. یکی از مهم‌ترین مسائلی که در حقوق محیط زیست مطرح است، بحران‌های زیست‌محیطی و آلودگی‌های ناشی از فعالیت‌های انسانی است. در فقه اسلامی، استفاده از منابع طبیعی باید به‌گونه‌ای باشد که به محیط زیست آسیبی وارد نکند. در واقع، در آموزه‌های اسلامی، هر گونه فساد و تباهی در زمین، اعم از تخریب منابع طبیعی یا آلودگی‌های محیطی، نه تنها از نظر شرعی ممنوع است، بلکه با اصل «مصلحت عامه» که در فقه اسلامی به‌طور گسترده مطرح شده، مغایر است. این اصل تأکید دارد که هیچ‌گاه نباید مصالح عمومی و عمومی‌ترین حقوق انسان‌ها، یعنی حق استفاده از منابع طبیعی، به‌خطر بیفتد (ملکی، ۱۴۰۳). با توجه به این اصول، فقه اسلامی راه‌حلی برای مقابله با بحران‌های زیست‌محیطی ارائه می‌دهد. این راه‌حل‌ها می‌توانند شامل قوانین و مقرراتی باشند که با استفاده از این اصول، به حفظ محیط زیست و منابع طبیعی کمک کنند. به‌ویژه در کشورهای اسلامی، این اصول می‌توانند مبنای حقوقی برای تنظیم قوانین زیست‌محیطی و برنامه‌های حفاظت از منابع طبیعی قرار گیرند (ملکی، ۱۴۰۳).



۳. فقه اسلامی و حقوق اقتصادی

اقتصاد و تجارت یکی از زمینه‌هایی است که فقه اسلامی در آن نقش برجسته‌ای دارد. در دنیای معاصر، مشکلات اقتصادی جهانی و تجاری بین‌المللی به‌ویژه در زمینه‌های معاملات بانکی، قرض، و ربا، چالش‌های جدی را ایجاد کرده‌اند. در این زمینه، فقه اسلامی می‌تواند با ارائه اصولی چون «حرمت ربا»، «عدالت اقتصادی»، و «مساوات» راه‌حلهایی مناسب برای تنظیم این مسائل ارائه دهد. در فقه اسلامی، ربا (ربای قروض و معاملات) به‌طور کامل ممنوع است. این حکم، که بر اساس آیات قرآن و احادیث نبوی تأکید شده است، به‌عنوان یکی از اصول اصلی در اقتصاد اسلامی شناخته می‌شود. همچنین، اصل «عدالت اقتصادی» که در فقه اسلامی به‌طور گسترده مطرح است، بر لزوم توزیع عادلانه ثروت و منابع تأکید دارد. این اصل می‌تواند به‌طور مؤثری در تنظیم قوانین اقتصادی و تجاری در سطح ملی و بین‌المللی به‌کار رود و به مقابله با بحران‌های اقتصادی جهانی کمک کند (فتح‌اللهی رنجبرشاه‌رخ، ۱۳۹۹). فقه اسلامی علاوه بر این، به‌طور خاص به تأثیر مصلحت در تصمیمات اقتصادی توجه دارد. در واقع، در بسیاری از موارد اقتصادی، فقه اسلامی از اصولی چون «استحسان» و «عرف» برای تأمین مصالح عمومی و عدالت اقتصادی استفاده می‌کند. این ویژگی فقه اسلامی می‌تواند در تحلیل مسائل اقتصادی معاصر، به‌ویژه در زمینه تجارت بین‌المللی و قوانین تجاری، کاربرد داشته باشد (صیاد شیرازی و محمدی، ۱۳۹۹).

۴. اصول فقهی در حقوق زنان

مسائل حقوق زنان در بسیاری از کشورهای اسلامی به‌ویژه در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی با چالش‌های خاص خود روبه‌رو است. فقه اسلامی، با تکیه بر اصولی چون «عدالت»، «مساوات»، و «حق ارث»، می‌تواند در پاسخ به این چالش‌ها کاربردهایی ویژه داشته باشد. به‌ویژه در زمینه حقوق اجتماعی زنان، فقه اسلامی بر اساس منابع دینی، راه‌حلهایی ارائه می‌دهد که می‌تواند در زمینه‌های مختلف حقوق زنان از جمله حقوق اقتصادی و مشارکت سیاسی، مؤثر واقع شود. برای مثال، در فقه اسلامی، زنان حق ارث دارند و این حق در قرآن و سنت به‌طور صریح بیان شده است. همچنین، حق رأی و مشارکت سیاسی برای زنان در بسیاری از فتاوا و تحلیل‌های فقهی مطرح است. این اصول می‌توانند



به‌طور مؤثر در حل مسائل حقوق زنان در جوامع اسلامی کاربرد داشته باشند و به‌ویژه در کشورهای مسلمان که با چالش‌هایی در این زمینه مواجه هستند، به‌عنوان مبنای قانونی مورد استفاده قرار گیرند (شهسواری، ۱۳۹۶). در نهایت، فقه اسلامی به‌ویژه در تحلیل مسائل حقوق زنان، بر حفظ کرامت انسانی و عدالت تأکید دارد. با استفاده از این اصول، می‌توان قوانین و مقرراتی تدوین کرد که حقوق زنان را به‌طور مؤثری تأمین نماید و در عین حال با آموزه‌های اسلامی همخوانی داشته باشد (جایمند، ۱۴۰۳).

۵. فقه اسلامی و حقوق خانواده

حقوق خانواده یکی از مهم‌ترین حوزه‌های حقوقی است که در فقه اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد. در بسیاری از جوامع اسلامی، مسائل مربوط به ازدواج، طلاق، حضانت، و حقوق متقابل زوجین باید با توجه به اصول فقهی تحلیل و تبیین شوند. فقه اسلامی در این زمینه بر اصولی چون «عدالت»، «حفظ حقوق خانواده»، و «مسئولیت متقابل» تأکید دارد که می‌توانند راه‌حل‌های مؤثری برای مسائل معاصر ارائه دهند. در فقه اسلامی، ازدواج به‌عنوان یک قرارداد معتبر و پایدار بین دو طرف شناخته می‌شود که در آن حقوق و تکالیف زوجین مشخص است. اصول فقهی مانند «مصلحت» و «عدالت» می‌توانند در تبیین حقوق و وظایف متقابل در ازدواج و خانواده به‌کار روند. همچنین، در زمینه طلاق، فقه اسلامی به‌طور خاص به مسئله «حفظ کرامت انسان» و «عدالت» در فرآیند طلاق توجه دارد. به‌ویژه در زمینه حضانت فرزندان، فقه اسلامی با توجه به اصولی چون «مصلحت فرزندان» و «حفظ حقوق والدین»، حقوق والدین و فرزندان را به‌طور متوازن در نظر می‌گیرد (ملابراهیمی و عرب اسماعیلی، ۱۳۹۳). در این زمینه، فقه اسلامی نه‌تنها بر لزوم رعایت حقوق خانواده تأکید دارد، بلکه با استفاده از اصول فقهی چون «عدالت» و «استحسان» تلاش دارد تا قوانینی وضع کند که منافع خانواده و اعضای آن را در طول زمان تأمین کند. به‌ویژه در برخی مسائل مانند حضانت، این اصول می‌توانند به‌عنوان مبنای حقوقی برای حل اختلافات بین زوجین و تأمین حقوق کودکان به‌کار روند (غیبی قوشه بلاغ، ۱۴۰۳).

۶. فقه اسلامی و حقوق سیاسی

مسائل حقوقی مرتبط با سیاست و حکومت در فقه اسلامی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. فقه سیاسی اسلامی به‌ویژه در زمینه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل، به‌طور خاص به اصولی چون «ولایت



فقیهه، «عدالت اجتماعی»، و «مصلحت عامه» توجه دارد. این اصول می‌توانند در حل مسائل سیاسی و اجتماعی معاصر در کشورهای اسلامی کاربرد فراوانی داشته باشند. در فقه اسلامی، اصولی چون «ولایت فقیه» و «عدالت اجتماعی» در اداره جامعه و تنظیم روابط بین‌المللی حائز اهمیت هستند. بر اساس این اصول، حکومت اسلامی موظف است که عدالت را در جامعه برقرار کند و در راستای مصالح عمومی اقدام نماید. در این راستا، فقه اسلامی به‌ویژه در مسائل بین‌المللی بر «عدالت» و «مصلحت» تأکید دارد، به‌گونه‌ای که این اصول می‌توانند به‌عنوان مبنای سیاست خارجی و روابط بین‌الملل در کشورهای اسلامی مطرح شوند (صیاد شیرازی و محمدی، ۱۳۹۹). فقه اسلامی همچنین بر لزوم توجه به «مصلحت عمومی» در مسائل سیاسی تأکید دارد. این اصل به‌ویژه در سیاست‌های داخلی و خارجی کشورهای اسلامی می‌تواند راه‌حل‌هایی مؤثر برای مشکلات سیاسی و اجتماعی ارائه دهد. برای مثال، در روابط بین‌الملل، کشورهای اسلامی می‌توانند بر اساس اصول فقهی خود سیاست‌های خارجی‌ای را تدوین کنند که با حفظ مصلحت عمومی و عدالت بین‌المللی هم‌راستا باشد (فتح‌اللهی رنجبرشاهری، ۱۳۹۹).

۷. تأثیر اصول فقه اسلامی در حقوق تجارت و کسب‌وکار

در دنیای معاصر، حقوق تجارت و کسب‌وکار از اهمیت بالایی برخوردار است و در این زمینه نیز اصول فقه اسلامی می‌توانند کاربردهای گسترده‌ای داشته باشند. مسائل حقوقی مرتبط با قراردادهای، معاملات تجاری، و مسائل اقتصادی در فقه اسلامی به‌طور خاص با اصولی چون «حرمت ربا»، «عدالت در تجارت»، و «مساوات» مورد توجه قرار گرفته‌اند. در فقه اسلامی، یکی از مهم‌ترین مسائلی که در تجارت و کسب‌وکار مطرح است، مسئله «ربا» یا بهره‌گیری از بهره‌های غیرمجاز است. فقه اسلامی به‌طور قطعی ربا را ممنوع کرده است و این حکم در روابط تجاری باید رعایت شود. همچنین، اصل «عدالت در تجارت» در فقه اسلامی به‌ویژه در معاملات تجاری مورد تأکید قرار دارد. این اصل به این معناست که هرگونه تبعیض یا نابرابری در معاملات تجاری باید اجتناب شود و تمامی طرفین در قراردادهای باید بر اساس اصول عدالت و مساوات عمل کنند (ملابراهیمی، ۱۳۹۳). علاوه بر این، فقه اسلامی بر لزوم توجه به «مصلحت عمومی» و «منافع طرفین» در معاملات تأکید دارد. این اصول می‌توانند به‌طور مؤثری در قوانین تجاری کشورهای اسلامی به‌کار روند تا از هرگونه سوءاستفاده و تخلف در معاملات تجاری جلوگیری شود. به‌ویژه در تجارت بین‌المللی، می‌توان با تکیه بر اصول فقهی قوانین تجاری تدوین کرد



که منافع عمومی و عدالت را در نظر بگیرند و از نظر شرعی نیز تأیید شده باشند (فتح‌اللهی رنجبرشاهرخ، ۱۳۹۹).

۸. فقه اسلامی و حقوق کیفری

حقوق کیفری در فقه اسلامی نیز مبنای خاص خود را دارد که در آن اصولی چون «مصلحت»، «حرمت فساد»، و «عدالت کیفری» از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. فقه اسلامی در تحلیل جرایم و مجازات‌ها به‌ویژه در زمینه جرایم منافی عفت و جرایم اقتصادی، بر حفظ کرامت انسانی و رعایت عدالت تأکید دارد. در فقه اسلامی، مجازات‌ها باید متناسب با جرم ارتكابی باشند و از شدت بی‌جا و ظلم جلوگیری شود. به‌ویژه در جرایم اقتصادی مانند دزدی و فساد مالی، فقه اسلامی بر اساس اصولی چون «حرمت فساد» و «مصلحت عمومی» اقدام به وضع مجازات‌هایی می‌کند که هم‌زمان با تأمین عدالت، مانع از فساد و تباهی در جامعه شوند. این اصول به‌ویژه در مواجهه با جرایم فساد مالی و رشوه‌خواری در جوامع اسلامی می‌توانند راه‌حل‌هایی مؤثر برای پیشگیری از این گونه جرایم ارائه دهند (شهسواری، ۱۳۹۶). همچنین، در فقه اسلامی، بر لزوم بازدارندگی و اصلاح مجرم تأکید شده است. مجازات‌ها باید به‌گونه‌ای باشند که علاوه بر تأمین عدالت، به اصلاح فرد مجرم و جلوگیری از تکرار جرم کمک کنند. این رویکرد فقهی می‌تواند در تنظیم قوانین کیفری کشورهای اسلامی به کار رود تا از یک سو عدالت برقرار شود و از سوی دیگر، حقوق انسانی مجرمان نیز محترم شمرده شود (جایمند، ۱۴۰۳).

نتیجه‌گیری

در این مقاله، کاربرد اصول فقه اسلامی در مسائل حقوقی معاصر مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. نتایج به‌دست آمده نشان داد که اصول فقه اسلامی به‌ویژه در زمینه‌های مختلف حقوقی از جمله حقوق بشر، حقوق خانواده، حقوق محیط زیست، حقوق اقتصادی، حقوق کیفری، و سیاست خارجی می‌توانند نقشی مؤثر در حل مسائل حقوقی معاصر ایفا کنند. در این بخش، به بررسی و مقایسه یافته‌های این تحقیق با نتایج سایر تحقیقات پرداخته خواهد شد و سپس پیشنهادات کاربردی برای بهره‌برداری از اصول فقه اسلامی در تنظیم قوانین و سیاست‌های حقوقی ارائه خواهد شد.



در بررسی و تحلیل نتایج این تحقیق، مشخص شد که اصول فقه اسلامی در برخی زمینه‌ها مانند حقوق بشر و حقوق زنان، توانسته است پاسخ‌های نوآورانه‌ای برای مسائل حقوقی معاصر ارائه دهد. به‌طور خاص، در زمینه حقوق بشر، بسیاری از تحقیقات پیشین مانند تحقیق جوادی آملی (۱۳۸۹) بر این نکته تأکید دارند که فقه اسلامی، با تأکید بر اصول «حفظ کرامت انسانی» و «نهی از ظلم»، قادر است قوانینی را ارائه دهد که حقوق بشر را در چارچوب اصول اسلامی حفظ کند. این نکته در این تحقیق نیز مورد تأکید قرار گرفت که اصول فقهی مانند «مصلحت»، «عدالت»، و «حفظ کرامت انسانی» در حل مسائل حقوق بشر به‌ویژه در زمینه حقوق زنان و آزادی‌های فردی می‌تواند کاربرد داشته باشد.

در زمینه حقوق محیط زیست نیز، یافته‌های این تحقیق مشابه تحقیقات فتح‌اللهی رنجبرشاه‌رخ (۱۳۹۹) است که به‌کارگیری اصول فقهی چون «حرمت فساد» و «حفظ زمین» را در زمینه حقوق محیط زیست مورد تأکید قرار داده‌اند. این تحقیق نیز نشان داد که فقه اسلامی می‌تواند به‌عنوان مبنای حقوقی برای مقابله با بحران‌های زیست‌محیطی و آلودگی‌ها استفاده شود. در این زمینه، اصل «مصلحت عامه» در فقه اسلامی می‌تواند به‌طور خاص به حل بحران‌های زیست‌محیطی کمک کند.

در حوزه حقوق اقتصادی نیز، یافته‌های این تحقیق با تحقیق فتح‌اللهی رنجبرشاه‌رخ (۱۳۹۹) در زمینه ربا و عدالت اقتصادی هم‌راستا است. همانطور که در تحقیقات پیشین نیز به آن اشاره شده است، فقه اسلامی با تأکید بر اصول «حرمت ربا»، «عدالت در تجارت»، و «مساوات»، می‌تواند به حل چالش‌های اقتصادی و تجاری معاصر بپردازد. همچنین، در مقایسه با سایر تحقیقات، این تحقیق تأکید خاصی بر تأثیر اصول فقهی در تجارت بین‌المللی و قوانین اقتصادی کشورهای اسلامی دارد.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهند که فقه اسلامی، با بهره‌گیری از اصولی چون «عدالت»، «مصلحت»، «حفظ کرامت انسانی»، و «نهی از ظلم»، به‌طور جامع می‌تواند در حل مسائل حقوقی معاصر نقش ایفا کند. به‌ویژه در زمینه‌هایی چون حقوق بشر، حقوق زنان، حقوق محیط زیست، و حقوق اقتصادی، فقه اسلامی می‌تواند پاسخ‌های سازگاری با آموزه‌های دینی و نیازهای جامعه امروزی ارائه دهد. برای مثال، در تحلیل حقوق زنان، اصول فقهی می‌توانند به‌گونه‌ای تبیین شوند که هم حقوق زنان را حفظ کنند و هم با اصول اسلامی همخوانی داشته باشند. این نتیجه با تحقیقات پیشین نیز هم‌راستا است که نشان



می‌دهند فقه اسلامی می‌تواند راه‌حلهایی برای حقوق زنان و آزادی‌های فردی در دنیای معاصر فراهم آورد.

در زمینه حقوق محیط زیست، تحلیل‌ها نشان دادند که فقه اسلامی به‌ویژه در زمینه‌های مرتبط با بحران‌های زیست‌محیطی می‌تواند تأثیرگذار باشد. به‌ویژه اصول فقهی چون «حرمت فساد» و «مصلحت عمومی» می‌توانند مبنای حقوقی برای تدوین قوانین محیط زیست در کشورهای اسلامی قرار گیرند. در همین راستا، فقه اسلامی می‌تواند در زمینه‌های اقتصادی و تجاری نیز با استفاده از اصولی چون «حرمت ربا» و «عدالت اقتصادی»، به حل مشکلات اقتصادی جهانی کمک کند.

به‌طور کلی، یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهند که فقه اسلامی علاوه بر اینکه به‌عنوان یک منبع برای تحلیل مسائل حقوقی معاصر مطرح است، می‌تواند ابزار مناسبی برای تأسیس و توسعه سیستم‌های حقوقی در کشورهای اسلامی باشد. به‌ویژه با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد فقه اسلامی و توانایی آن در ترکیب احکام دینی با نیازهای معاصر، این سیستم حقوقی می‌تواند در جهان معاصر نقشی کلیدی ایفا کند.

با توجه به یافته‌ها و نتایج به‌دست آمده از این تحقیق، چندین پیشنهاد کاربردی برای استفاده از اصول فقه اسلامی در مسائل حقوقی معاصر ارائه می‌شود:

۱. ایجاد چارچوب‌های حقوقی مبتنی بر فقه اسلامی برای حقوق بشر: کشورهای اسلامی باید چارچوب‌های حقوقی خود را بر اساس اصول فقه اسلامی و با تأکید بر اصول «حفظ کرامت انسانی»، «نهی از ظلم»، و «عدالت» توسعه دهند. این چارچوب‌ها باید به‌گونه‌ای باشند که هم با آموزه‌های دینی سازگار باشند و هم نیازهای جامعه معاصر را برآورده کنند.
۲. تدوین قوانین محیط زیست بر مبنای اصول فقهی: فقه اسلامی می‌تواند مبنای مناسبی برای تدوین قوانین محیط زیست باشد. به‌ویژه اصولی چون «حرمت فساد» و «مصلحت عامه» باید در قانون‌گذاری‌های محیط زیست در کشورهای اسلامی لحاظ شوند تا از تخریب محیط زیست جلوگیری شود.



۳. اصلاح قوانین اقتصادی بر اساس اصول فقه اسلامی: کشورهای اسلامی باید قوانین اقتصادی خود را با توجه به اصول فقهی مانند «حرمت ربا»، «عدالت اقتصادی»، و «مساوات» تنظیم کنند. این قوانین باید به گونه‌ای باشند که ضمن تأمین عدالت اقتصادی، از فساد مالی و اقتصادی نیز جلوگیری کنند.

در نهایت، این تحقیق نشان داد که اصول فقه اسلامی می‌توانند در تحلیل و حل مسائل حقوقی معاصر به‌ویژه در زمینه‌های حقوق بشر، حقوق محیط زیست، حقوق اقتصادی، حقوق کیفری، و حقوق خانواده نقش مؤثری ایفا کنند. با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد فقه اسلامی، این اصول می‌توانند در زمینه‌های مختلف حقوقی، راه‌حل‌های مؤثر و قابل قبولی ارائه دهند که هم با آموزه‌های دینی سازگار باشد و هم با نیازهای حقوقی و اجتماعی معاصر هماهنگ باشد.



منابع و مأخذ

- جایمند، م. (۱۴۰۳). اصول فقه و روش علوم انسانی اسلامی. اولین همایش علوم انسانی با رویکرد نوین، آستارا.
- جوادی آملی، آ. ا. (۱۳۸۹). اصول کلی اقتصاد اسلامی و راهکارهای آن از منظر فقه. فصلنامه پژوهش‌های فقهی، ۶(۱)، ۱۳-۲۷.
- شهسواری، م. (۱۳۹۶). اصول حاکم بر جرایم منافی عفت در حقوق ایران و فقه اسلامی. اولین کنفرانس ملی حقوق و علوم سیاسی، تهران.
- شبیانی نوقابی، ر. (۱۴۰۳). اصول چهارگانه اخلاق زیستی از منظر فقه و حقوق اسلامی. ششمین همایش ملی پژوهش‌های حرفه‌ای در روانشناسی و مشاوره با رویکرد از نگاه معلم، میناب.
- صیاد شیرازی، م & محمدی، ف. (۱۳۹۹). اصول بنیادی فقه سیاسی در سیاست خارجی نظام اسلامی. فصلنامه مطالعات دولت‌پژوهی در جمهوری اسلامی ایران، ۶(۲)، ۳۶-۲۲.
- غیبی قوشه بلاغ، و. (۱۴۰۳). تأثیر متقابل فقه و اصول فلسفه اسلامی بر برنامه‌های درسی حوزه علمیه. اولین همایش علوم انسانی با رویکرد نوین، آستارا.
- فتح‌اللهی رنجبرشاهرخی، ز. (۱۳۹۹). اصول و قواعد تجارت مبتنی بر فقه اسلامی و چالش‌های آن با حقوق بین‌الملل. هفتمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم انسانی، مدیریت و کارآفرینی ایران، تهران.



- ملاابراهیمی، ع.، عرب اسماعیلی، ر.، ملاابراهیمی، ع. (۱۳۹۳). بررسی اصول و مبانی حقوق محیط زیست از منظر فقه و حقوق اسلامی. اولین کنفرانس ملی شهرسازی، مدیریت شهری و توسعه پایدار، تهران.
- ملک، ه. (۱۴۰۳). تحلیل اصول و مبانی شرعی و اخلاقی فقه اسلامی در حفاظت از محیط زیست. اولین کنفرانس بین‌المللی انقلاب علوم انسانی اسلامی، ساری.
- ملکی، ن.، علیزاده، ز.، ملکی، س.، صناعی، ا. (۱۴۰۳). تبیین اصول همجواری‌های مسکونی در فقه اسلامی. ششمین کنفرانس بین‌المللی و هفتمین کنفرانس ملی عمران، معماری، هنر و طراحی شهری، تبریز.

١٤ |